

دکتر گری میدورز، اول قرنطیان، سخنرانی ۱۹، پاسخ پولس به مسائل جنسی و ازدواج اول قرنطیان ۷: ۷-ب-۴۰

گری میدورز و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

این دکتر گری میدورز در حال تدریس در مورد کتاب اول قرنطیان است. این جلسه ۱۹، پاسخ پولس به مسائل جنسی و ازدواج، اول قرنطیان ۷: ۷-ب-۴۰ است.

خب، به بحث ما در مورد اول قرنطیان فصل ۷ خوش آمدید. ما در بسته یادداشت شماره ۱۰ هستیم و در صفحه ۹۲ و ۹۲ از یادداشت‌های شما هستیم. ما در انتهای این صفحه هستیم، در واقع دو سوم از پایین با شماره ۲الف.

یا بیشتر تا b صحبت کردیم. حالا می‌خواهیم از ۷، دفعه‌ی پیش اساساً در مورد اول قرنطیان ۷، آیات ۱ تا ۷ ادامه دهیم. در اینجا دوباره تحلیل تالبرت را می‌آوریم، و همانطور که می‌توانید تصور کنید، همانطور که ۲۴ دیده‌اید، او این تقاطع‌ها را دوست دارد.

الف، از آنجایی که هر کس موهبت خاص خود را از جانب خدا دارد و بنابراین زندگی می‌کند، یک عدد اول باید آن ستاره کوچک را بعد از الف و ب در قسمت دوم آن داشته باشد، این بخشی از بخش رسمی آن است، زندگی بر اساس مواهبی که به شما اختصاص داده شده است. می‌توانید ببینید، هدایا، هدایا، من به بیوه‌های مجرد می‌گویم، من به کافران متأهل می‌گویم، و سپس وسط آن خداوند به متأهلان می‌گوید. خب، شاید، شاید نه، اما در دنیای باستان برای این تقاطع‌ها مشروعیت وجود داشت.

در آن فرهنگ شفاهی، به هر دلیلی، این حس وجود داشت که به سخنرانی‌های عمومی و به خاطر سپردن مطالب کمک می‌کند. در هر صورت، این [فرهنگ] وجود دارد. می‌توانید به آن نگاه کنید و تصمیم خودتان را بگیرید. بنابراین، اگر بخواهید، می‌توانید طرح کلی آنها را با موارد فوق مطابقت دهید، اما من نوعی طرح کلی سنتی‌تر را در امتداد پاراگراف دنبال می‌کنم.

همه چیز در یک جا مطرح می‌شود، اما از نظر ساختار کمی متفاوت است. در آیات ۷ب و ۸ تا ۱۶، چیزی داریم که من آن را تقدس ازدواج می‌نامم. در آیات ۱ب و سپس ۱ج، افراد مجرد و بیوه اگر موهبت تجرد را ندارند، باید ازدواج کنند.

من فقط دارم به بخش‌های طرح کلی نگاه می‌کنم. ما زیر ۲الف هستیم، توجه کنید به دلیل تورفتگی‌ها و تلاش برای حفظ کاغذ و فضا در فایل کامپیوتری، به آن حاشیه سمت چپ برمی‌گردیم. ۲الف ازدواج است. هدیه دادن پولس برای دیگران هنجار نیست، و سپس ۱ب، تقدس ازدواج در ۷ب تا ۱۶.

خب، این هم از فصل ۷ و آیه ۷. از ابتدای آیه ۷ شروع می‌کنم. کاش همه شما مثل من بودید، اما هر کدام از شما هدیه خاص خود را از خدا دارید. یکی این هدیه را دارد و دیگری آن هدیه را. حالا سوال این است که NIV اینجا نسخه اصلی نیست. ببخشید، اما نسخه اصلی NIV آیه ۷ را کجا قرار می‌دهید؟ نسخه اصلی سال ۲۰۱۱ آیه ۷ را با پاراگراف قبلی نگه می‌دارد.

هم همین کار را می‌کند، و احتمالاً اگر من طرح کلی‌ام را دوباره بنویسم NRSV، فقط برای سرگرمی دوباره همین کار را می‌کنم، اما نمی‌توانم همه چیز را دوباره بنویسم چون این یادداشت‌ها را از قبل برای زمانی که با

هم بودیم آماده کرده‌ام. بنابراین، اگر قرار است قطعه بعدی را همانطور که تالبوت قرار است معرفی کند، معرفی کند، هر یک از شما استعداد خاص خود را از جانب خدا دارید. یکی این استعداد را دارد، دیگری

حالا، خطاب به مجردها. هر وقت یک جمله‌ی انتقالی دارید، طبیعتاً با قبل و بعد از آن هماهنگ می‌شود و در آن جای می‌گیرد. او قبلاً در مورد هدیه دادن صحبت کرده است، و دوباره آن را در انتهای آیه‌ی ۷ می‌گوید. مجردها و بیوه‌ها اگر موهبت مجرد را ندارند، باید ازدواج کنند، آیات ۸ و ۹. حالا، خطاب به مجردها، و وقتی در آن مورد خاص در مورد مجردها صحبت می‌کند، به مجردها و بیوه‌ها، می‌گویم خوب است که مثل من مجرد بمانند، اما اگر نمی‌توانند خودشان را کنترل کنند، به عبارت دیگر، اگر در آتش اشتیاق بسوزند، که چیز بدی نیست.

این یک چیز خلقت است. آنها باید ازدواج کنند، زیرا ازدواج بهتر از سوختن در آتش اشتیاق است، و اینجاست که ما آن جمله خاص را داریم. بسیار خوب، و شما دید محدودی نسبت به من دارید.

دارم چند ترجمه‌ی کتاب مقدس را با هم مقایسه می‌کنم و همچنین به متن یونانی‌ام نگاه می‌کنم تا کلمات خاصی را پیدا کنم که کمی ذهنم را درگیر کنند. خوب، افراد مجرد و بیوه‌ها اگر موهبت مجرد ندارند باید ازدواج کنند. حالا منظورمان از مجردها و بیوه‌ها چیست؟ ضمناً، نکته‌ی دیگری هم مطرح می‌شود: اصل همانطور که هستی بمان»، صفحه‌ی ۹۳، در سراسر صفحات ۸ تا ۱۶ آمده است»

استفاده پولس از کلمه «نیکو» در این متن، در آیه ۷:۷ و جاهای دیگر، ذهنم را از آن دور کرده‌ام. بگذارید برگردم و این ابهام را برطرف کنم. بالای صفحه ۹۳

مضمون پولس مبنی بر «همانطور که هستی بمان» در این بخش‌ها مطرح می‌شود. این مضمون در سراسر آیات ۸ تا ۱۶ مطرح می‌شود. اساساً، منظور او این است که با گذشت زمان و تغییر موقعیت، به ویژه در این مسئله زناشویی، معمولاً آسان‌تر است که همانطور که اکنون مجرد هستید، بمانید تا اینکه دوباره ازدواج کنید.

خدمت به سالمندان در حال حاضر در ایالات متحده یک امر بزرگ است زیرا بیشترین آمار جمعیت را سالمندان تشکیل می‌دهند. یکی از نکات جالب این است که بسیاری از زوجها بازنشسته می‌شوند و یکی از آنها خیلی زود پس از رسیدن به سن بازنشستگی فوت می‌کند. این اتفاق همیشه می‌افتد.

خب، پاول می‌گفت، خوب، اگر همسران فوت کند، برای شما راحت‌تر است که مجرد بمانید. و او دارد واقع‌بینانه صحبت می‌کند. او از منظر پزشکی قانونی صحبت نمی‌کند، به این معنا که شما باید این کار را انجام دهید.

و درست است. این آسان‌تر است. بنابراین، این زوج بازنشسته می‌شوند، مثلاً شوهر فوت می‌کند و زن تنها می‌ماند، که معمولاً هم همینطور است چون به نظر می‌رسد زنان تمایل دارند کمی بیشتر دوام بیاورند.

و فرض کنید آنها سه فرزند داشتند. خوب، به شما می‌گویم، اگر این را تماشا نکرده‌اید، بخش جالبی از زندگی را از دست داده‌اید. آن بچه‌ها نگران این هستند که مادرشان با اموال و دارایی‌هایشان چه خواهد کرد.

این اولین چیزی است که خیلی وقت‌ها به ذهنشان می‌رسد. می‌توانند بچه‌های خوبی باشند. می‌توانند بچه‌های باتقوایی باشند.

اما حالا چه؟ و اگر مادر شروع به قرار گذاشتن با کسی کند، و شاید حتی فرزندان هم این همراهی را تشویق کنند، مادر با سوالات دشواری در مورد اینکه اگر تصمیم به ازدواج با این شخص بگیرد، با اموالش چه خواهد کرد، روبرو خواهد شد. چه کسی می‌داند چه زمانی قرار است فوت کند؟ او و شوهرش این اموال را ساخته‌اند، به این امید که آن را به فرزندان منتقل کنند. این چیزی است که کشیشان باید برای مشاوره به سالمندان یا هر کس دیگری در این مورد آماده باشند. اما برای سالمندان، این یک مسئله بسیار رایج است، زیرا آنها به ازدواج مجدد فکر می‌کنند.

مسائل کاربردی در مورد ازدواج و ازدواج مجدد پس از بیوه شدن وجود دارد. وقتی پولس می‌گوید ازدواج مجدد برای آنها خوب است، از نظر اخلاقی خوب صحبت نمی‌کند، بلکه از نظر عملکردی خوب است. این یک مسئله اخلاقی نیست زیرا اشکالی ندارد.

اما از نظر عملکردی ازدواج نکردن راحت‌تر است، اما اگر نتوانید خودتان را کنترل کنید، ازدواج مجدد از نظر عملکردی راحت‌تر خواهد بود. می‌توانید به هر دو صورت این کار را انجام دهید. پولس می‌گوید که شما فقط باید از اینکه چه کسی هستید و چگونه با زندگی برخورد می‌کنید، در آن شرایط آگاه باشید.

پولس خطاب به مجردها و بیوه‌ها صحبت کرد. کلمه "مجرد" در اینجا "آگاموئیس" است که تأکیدی بر "گا" است. این کلمه همچنین در مورد مردان بیوه نیز صدق می‌کند.

کلمه‌ای برای بیوه‌ها وجود دارد که در متن یونانی خود داریم، اما کلمه‌ای برای مردان بیوه وجود ندارد که جدا از کلمه مجرد باشد. بنابراین این موضوع سوالاتی را ایجاد می‌کند. مشکل این است که اصطلاح اول که به عنوان مجرد ترجمه شده است، می‌تواند طیف وسیعی از معانی را داشته باشد و از نظر متنی بسیار وابسته به معنای آن است.

آیا منظور مردان مجرد است یا دوران مجردی؟ این زمینه به وضوح به بیوه‌ها مرتبط است. بنابراین، به احتمال زیاد ما در مورد مردان بیوه و زنان بیوه صحبت می‌کنیم - نکته اول.

اصطلاح مجرد فقط در این فصل از عهد جدید آمده است و معنای آن در آیات ۷:۸ و ۷:۱۱ متفاوت است. یک بار به چیزی که الان در موردش صحبت می‌کنیم اشاره دارد، شاید مردان مجرد یا مردان بیوه، اما می‌تواند به زنان مطلقه نیز اشاره داشته باشد. کلمه طلاق به نوعی شامل زنانی است که شوهرانشان در آنها را ترک کرده‌اند. می‌تواند به یک مرد مجرد در ۷:۳۲ یا به یک زن مجرد باکره در ۷:۳۴ اشاره داشته ۷:۱۱ باشد. بنابراین این کلمه در همه جا وجود دارد. در همه جا وجود دارد و شما باید با توجه به متن با آن برخورد کنید زیرا این کلمه مشکل را حل نمی‌کند.

مجرد می‌تواند همه افراد در آن دسته را شامل شود. بیوه، مطلقه، رها شده، هرگز ازدواج نکرده. ویتزینگتون تصمیم می‌گیرد این را به مجردها و به ویژه بیوه‌ها ترجمه کند، بنابراین معنای آن را بر بیوه‌ها متمرکز می‌کند.

این اصطلاح همه مشکلات را هم حل نمی‌کند. بنابراین، زبان معنای ظاهری خود را نشان نمی‌دهد. تعدادی از مفسران برجسته خاطرنشان کرده‌اند که این اصطلاح می‌تواند به معنای مردان بیوه، معادل مرد بیوه‌ها باشد.

چنین رویکردی از نظر منطقی جذاب است و همانطور که در این متون دیده‌ایم، جفت‌های متعادل را ارائه می‌دهد. در چارچوب کلی اول قرن‌تین ۷ و دسته‌های مختلف آن، این امر منطقی به نظر می‌رسد. همچنین از نگرش نامحتمل پولس مبنی بر یک کاسه کردن همه دسته‌های مجرد و بیوه در یک گروه غیرمتعارف به نام مجردها اجتناب می‌کند.

، بنابراین، برای من منطقی است که ما در مورد مردان و زنان بیوه صحبت می‌کنیم. وقتی پاول می‌گوید همانطور که من در ۷-۸ هستم، آیا او خود را در دسته مجردها قرار می‌دهد یا در دسته بیوه‌ها؟ ما نمی‌دانیم. که پاول ازدواج کرده بود یا خیر. ما دلیلی داریم که باور کنیم او ازدواج کرده بود.

، این یک ساختار خلاقانه خوب است، اما ما هیچ متن مستقیمی نداریم که همه اینها را به ما بگوید. ببینید پولس یک بزرگ یهودی بود، و احتمالاً فریسی هم بود، و هنجار مورد انتظار برای بزرگان، ازدواج بود. این هنجار مورد انتظار یهودی برای همه مردان بود.

بعید است که پولس هرگز ازدواج نکرده باشد، اگرچه به نظر می‌رسد که در حال حاضر مجرد است. اما وضعیت او چگونه بود؟ آیا پولس بیوه است؟ آیا همسرش فوت کرده است؟ یا همسرش وقتی ایمان آورد او را رها کرد؟ این احتمال بسیار زیاد است. ما فقط نمی‌دانیم.

مانند سایر تفاسیر، در این مورد ادامه می‌دهد. می‌توانید بخوانید، اما در نهایت، ما نمی‌دانیم. اما او در شرایطی بود که ازدواج نکرده بود.

مطمئناً، اگر به ما می‌گفت، آسان بود. آیات ۷-۹ روشن می‌کند که مردان و زنان بیوه‌ای که این استعداد را ندارند باید دوباره ازدواج کنند. استفاده از عبارت «سوزاندن» در آیات ۷-۹، که در این زمینه بسیار طبیعی است، به سوختن با شور جنسی اشاره دارد، نه سوختن در جهنم، که یک ایده خاخی بود، اما فقط باید تاریخ غم‌انگیز بسیاری از کاهنان مجرد را مشاهده کرد.

اگر می‌گویید، به عنوان یک مرد بیوه دوباره ازدواج نکنید، یا بهتر است دوباره ازدواج نکنید، و به تاریخ کلیسای روم یا هر فرقه مذهبی مسیحی که کشیش‌های مجرد دارد نگاه کنید، می‌بینید که انکار یک روزنه مشروع برای ابراز شور و اشتیاق می‌تواند چه آسیبی ایجاد کند. این می‌تواند آسیب‌های زیادی ایجاد کند. ما همین هفته در اخبار شنیدیم که کاردینال دیگری با مجرد خود مشکل داشت و این مشکل به ویژه در 20 سال گذشته کلیسای کاتولیک روم را آزار داده است.

این بیماری از بدو تولد آن را آزار داده است، اما در عین حال، به اخبار راه یافته و در دهه‌های اخیر در کلیسای روم در ایالات متحده و آمریکای جنوبی ویرانی به بار آورده است. آنها قبل از آن، آن را دفن کرده بودند. این همچنین از مجرد به عنوان یک موهبت و نه یک انتخاب برای ازدواج مجدد آنها حمایت می‌کند.

ازدواج مجدد برای افرادی که بیوه شده‌اند، امری عادی است، مگر اینکه به آن نیاز نداشته باشند، مگر اینکه خودشان نخواهند. مشاهده من این است که افراد مسن‌تر، منظورم افرادی است که در دهه ۸۰ و ۹۰ زندگی خود هستند و دوباره ازدواج می‌کنند، این اتفاق نمی‌افتد؛ برخی از آنها جوان‌تر ممکن است این کار را برای رابطه جنسی انجام دهند، اما بیشتر آنها به دلیل تنهایی این کار را انجام می‌دهند. آنها به دنبال همراه هستند، اما من به شما می‌گویم وقتی کشیش یک جامعه سالمندان هستید، این کار ویران‌کننده است.

این یک سناریوی جالب برای کنار آمدن است، اما ازدواج مجدد اشکالی ندارد. در واقع، احتمالاً این یک هنجار است، به خصوص برای بیوه‌های جوان‌تر و بیوه‌ها. من یک فرد برجسته را می‌شناسم که نامش را ذکر نمی‌کنم و کشیش بود، استاد حوزه علمیه بود و قبل از مرگ همسرش، او به شدت به این ایده پایبند بود که یک شیخ منصوب، همانطور که او بود، نباید در صورت فوت همسرش دوباره ازدواج کند.

بعدش همسرش فوت کرد. خیلی طول نکشید، شاید چند سال، که دوباره ازدواج کرد. خب، حالا باید دیدگاهش را عوض کند.

بیاپید مراقب باشیم که چگونه دیدگاه‌هایمان را تثبیت می‌کنیم، در حالی که این دیدگاه‌ها تجویزی نیستند بلکه مواردی هستند که به نحوه‌ی زندگی مربوط می‌شوند. ازدواج و ازدواج مجدد در شرایط بیوه شدن یک هنجار است. در ۷.۹، مقاله‌ای از جی. ادوارد الیس در یک مجله وجود دارد که من آن را اینجا برای شما فهرست کرده‌ام.

او خاطر نشان می‌کند که تالبرت، فی، ودرینگتون و فرنیس همگی موافقند که پولس در اول قرن‌تین، تمایل یا حتی آرزوی قلبی خود را مبنی بر اینکه همه مسیحیان جدی باشند، ابراز نمی‌کند. من شنیده‌ام که اول قرن‌تین ۷ توسط افراد زیادی به عنوان متنی برای اثبات برتری تجرد استفاده شده است. هر کسی که این را بگوید، حق خود را برای تفسیر اول قرن‌تین ۷ لغو کرده و خود را به عنوان فردی بی‌صلاحیت برای انجام این کار نشان داده است.

این چیزی نیست که اول قرن‌تین ۷ در مورد آن باشد. این متن، متنی برای اثبات برتری، معنویت، و قضاوت بهتر در مورد ازدواج نکردن پس از بیوه شدن یا فوت همسران نیست. هنجار ایجاد شده، ازدواج است و شما از هنجار ایجاد شده خلاص نمی‌شوید، زیرا به دلیلی پس از رفتن کسی، اینگونه بوده است.

مسائل عملی وجود دارد که آن را از جهات مختلف چالش برانگیز و دشوار می‌کند. اما سعی نکنید آن را به آموزه‌های کتاب مقدس تبدیل کنید که بهتر است این کار را نکنید زیرا تنها کاری که انجام می‌دهید سوءاستفاده از کتاب مقدس است. در آیات ۱۰ تا ۱۶ در پایین صفحه ۹۳، ۲ج، ازدواج دائمی است.

تا ۱۶. اولین مورد در اینجا سنت سلطنتی در آیه ۱۰ است. ۷-۱۰. ۱۰

به مجردها، من این دستور را می‌دهم، نه من، بلکه خداوند. اینجا است که تقسیم‌بندی گارلند از بخش‌ها مفید واقع می‌شود زیرا او می‌گوید این یک بخش جدید است، و من فکر می‌کنم که همینطور است. حتی در قطعات کوچکتری را برای این پاراگراف‌ها نگه NIV نیز تقسیم‌بندی شده است، در حالی که ASV نسخه می‌دارد.

اما در آیات ۱۰ و ۱۱، که همان پاراگراف در ترجمه جدید است: «به متأهلان، این فرمان را می‌دهم، نه من بلکه خداوند.» زن نباید از شوهرش جدا شود.

اما اگر چنین کند، باید مجرد بماند یا با شوهرش آشتی کند و شوهر نباید زن خود را طلاق دهد. آیات ۱۰ و ۱۱ را من سنت دومینیکال می‌نامم. دومینیکال دقیقاً بر اساس کلمه لاتین سنت عیسی، سنت پدر، است ۱۱

در آیات ۷، ۱۰ و ۱۱، پولس به موضوع اول همسر می‌پردازد. این، الگوی او را از سایر متون در باب ۷ معکوس می‌کند. این ممکن است به یک مشکل در قرنتس اشاره داشته باشد. مطمئن نیستم.

این می‌تواند یک جریان پنهان باشد که پولس آشکار می‌کند و ما ممکن است از آن غافل شویم. اما او ابتدا اصطلاح لاتین برای اشاره به آموزه‌های عیسی (Dominical) بیوه زنان را مخاطب قرار می‌دهد. دومینیکالی است.

پولس خطاب به زوج‌های متأهل، خطاب به آنها را با ارجاع به آموزه‌های عیسی از انجیل‌ها آغاز می‌کند، که اگرچه بسیار کم‌اهمیت است، اما وجود دارد. پولس از ناب‌ترین سنت‌های انجیل، یعنی مرقس و لوقا استفاده می‌کند، زیرا متی در این حوزه به جز زنا در سنت سلطنتی، موارد دیگری را ذکر نکرده است. او از متی و استثنای نام نمی‌برد.

حال، این می‌تواند به یکی از دو معنی باشد. او تصمیم گرفت به آن اشاره نکند زیرا این را هنجاری‌تر می‌داند یا اینکه استثنا را به معنای آزادی ازدواج مجدد یا اینکه دلیلی برای طلاق است، درک نکرده است. حال، این موضوعی است که قرار است در بخش سوم از مجموعه سه قسمتی خود در فصل ۷ در مورد آن صحبت کنیم و من آن را بیشتر در آنجا توضیح خواهم داد، اما فعلاً آیات ۱۰ و ۱۱ کاملاً مطلق هستند.

انجیل‌ها هم همینطور. نه، اگر ازدواج کرده‌اید و طلاق گرفته‌اید، دوباره ازدواج نکنید. این سنت انجیل است.

برخی می‌گویند متی از این قاعده مستثنی است و این چیزی است که باید با دقت بررسی شود. اگر چنین باشد، تنها جایی است که استثنا محسوب می‌شود زیرا مرقس و لوقا به طور مطلق صحبت می‌کنند. این موضوع بسیار حساسی است.

اصطلاح لاتین برای اشاره به آموزه‌های عیسی است. پولس سخنان خود را خطاب به زوج‌های متأهل با (ذکر آموزه‌های عیسی از انجیل‌ها آغاز می‌کند. پولس از خالص‌ترین شکل روایات انجیل استفاده می‌کند.

بند استثنای متی وجود ندارد. فقدان بند استثنا ممکن است یکی از دیدگاه‌های تخصصی را که بعداً خواهیم دید، در مورد این بند تأیید کند، نه اینکه یک استثنای کلی باشد که شما می‌توانید به دلیل گناه جنسی دوباره ازدواج کنید. به نظر می‌رسد اگر پولس فساد جنسی را به عنوان یک دلیل کلی برای طلاق می‌دانست، اول قرن‌تین ۷ جای مناسبی برای ذکر آن بود، اما او این کار را نمی‌کند.

او مطلقاً حفظ می‌کند. او ایده‌آل را حفظ می‌کند، و این باید برای کسانی که در بحث طلاق و ازدواج مجدد هستند، تعجب‌آور باشد. به آن برمی‌گردم.

در آیات ۱۲ تا ۱۶، توضیح پولس را داریم. آیات ۱۲ تا ۱۶، به بقیه می‌گوییم، من، نه خداوند. حالا، بیایید به سنت دومینیکویی برگردیم.

من در این مورد صحبت نکردم، باید صحبت کنم. وقتی او به متأهلین می‌گوید، من این دستور را می‌دهم، نه من، بلکه خداوند، و سپس در آیه ۱۲ می‌گوید من، نه خداوند. آیا پولس می‌گوید آیات ۱۰ و ۱۱ معتبر هستند، اما آیات ۱۲ و غیره نظر من است و هیچ اعتباری ندارد؟ بعید است.

این به جورایی احمقانه‌ست، نه؟ وقتی می‌گه من، نه من بلکه خداوند، من، نه خداوند، منحصرأً به سنت دومینیکویی اشاره می‌کنه. در آیات ۱۰ و ۱۱، عیسی چیزی گفته که می‌تونه ازش نقل قول کنه، و این کار رو می‌کنه، نه من بلکه خداوند. در آیات ۱۲ و بعد از اون، چیزی از عیسی نداره که بتونه ازش نقل قول کنه. بنابراین می‌خواد اون رو بگه.

بنابراین من، نه خداوند، این آیات را از هیچ مرجعی نمی‌پذیرم؛ بلکه آنها را فقط از این واقعیت می‌پذیرم که عیسی چیزی نگفته که بتواند از آن استفاده کند. در مورد این عبارت بسیار مراقب باشید، نه من، بلکه خداوند، من، نه خداوند. این به معنای تضعیف اعتبار چیزی یا بالا بردن اعتبار سنت دومینیکویی نیست.

فقط می‌گویند می‌توانم اینجا از او نقل قول کنم، نمی‌توانم اینجا از او نقل قول کنم. فقط همین را می‌گویند. خیلی مراقب این موضوع باشید.

اگر برادری همسری غیرمذهبی دارد و آن همسر حاضر است با او زندگی کند، او نباید همسرش را طلاق دهد. این یک حکم کاملاً مطلق است، اینطور نیست؟ هیچ دلیلی برای طلاق در مورد کسی که مسیحی نیست ... وجود ندارد، و شما با او ازدواج کرده‌اید. این دلیل موجهی نیست

، یوغ نابرابر، همانطور که اغلب به آن اشاره می‌شود، چیزی است که باید از درگیر شدن با آن اجتناب کنید. اما اگر در حال حاضر در آن هستید، به هیچ وجه یا به هیچ وجه دلیلی برای طلاق از طرف مسیحی نیست فرد غیرمؤمن ممکن است تصمیم بگیرد از شر آن خلاص شود و ببیند که اوضاع چگونه پیش می‌رود. اما اگر او، به عنوان مثال، جدا شود، این فرض را دارد که او مؤمن است. با این حال، اگر این کار را انجام دهد، باید مجرد بماند یا در غیر این صورت با شوهرش آشتی کند و شوهر نباید همسرش را طلاق دهد.

و همین امر در آیات ۱۰ و ۱۱ در مورد آنها نیز صدق می‌کند. بنابراین، نکته اصلی این است که کسانی که ازدواج کرده‌اند نباید از هم جدا شوند. پایان بحث.

اگر جدایی رخ دهد، آنها نباید دوباره ازدواج کنند. پایان بحث. این کاملاً بیانگر اظهارات قطعی مرقس و لوقا در مورد طلاق در آن انجیل‌ها است.

این کاملاً قطعی است. این موضوع در فرهنگ فعلی مسیحیت به خوبی پذیرفته نشده است، اما وجود دارد. شما با آن کنار می‌آیید.

کمی بعد در بخش سوم به برخی از این موارد برمی‌گردم. و دوباره می‌گویم، در پایان آن پاراگراف، پاراگراف دوم در صفحه ۹۴، در پایان آن، به نظر می‌رسد که اگر پولس فساد جنسی را به عنوان یک دلیل کلی برای طلاق می‌دانست، اینجا جای مناسبی برای مطرح کردن آن است. و او این کار را نکرد.

او در آیات ۱۰ و ۱۱ به ما یک بند استثنا نداده است. او به ما مطلق داده است، که نشان می‌دهد مرقس و لوقا چگونه عیسی را نمایندگی می‌کنند. تنها جایی که در کل کتاب مقدس در مورد این موضوع بحث شده است، متی ۵ و ۷ است. در واقع، ببخشید، در متی ۵ و فصل ۱۹، دو بند استثنا وجود دارد.

. آنها فقط در متی هستند. بعداً آن را برای شما باز خواهم کرد، اما الان نه. آیات ۱۲ تا ۱۶، توضیح پولس

پولس بر تقدس ازدواج، حتی در روابط مختلط بین غیرمؤمنان و نجات‌یافتگان، تأکید می‌کند. به بقیه، این را من می‌گویم، نه خداوند. اگر هر برادری همسری دارد که مؤمن نیست و آن همسر حاضر است با او زندگی کند، نباید او را طلاق دهد.

این کاملاً درست است. و اگر زنی شوهری بی‌ایمان دارد و آن شوهر حاضر است با او زندگی کند، آن زن نباید از او طلاق بگیرد. زیرا شوهر بی‌ایمان از طریق همسرش تقدیس شده است و زن بی‌ایمان از طریق شوهرش تقدیس شده است.

، آنها به یک شوهر ایمان داشتند، در غیر این صورت، فرزندان شما نجس خواهند بود، اما در حال حاضر آنها مقدس هستند. بسیار خوب.

در مورد ۱۲ تا ۱۶ چطور؟ من بهتر است ۱۵ تا ۱۶ را بخوانم. اما اگر کافر برود، بگذار برود. در چنین شرایطی برادر یا خواهر ملزم به انجام کاری نیست.

خداوند ما را به زندگی در صلح فراخوانده است. همسر، از کجا می‌دانی که آیا شوهرت را نجات خواهی داد؟ به عبارت دیگر، اگر با هم بمانید، نفوذ شما می‌تواند او را به رستگاری برساند. یا یک زن می‌تواند از طریق شهادت شوهر در طول ازدواج به رستگاری برسد.

این موضوع کاملاً سراسر است و واضح است. شما می‌توانید هر چقدر که می‌خواهید از هرمنوتیک استفاده کنید، اما نمی‌توانید از شر آن خلاص شوید. بسیار مراقب باشید که در زمینه طلاق و ازدواج مجدد از کتاب مقدس سوءاستفاده نکنید.

حالا، بیایید کمی در اینجا در مورد این موضوع فکر کنیم، و بعداً بیشتر در مورد آن فکر خواهیم کرد. آیات «تا ۱۴ - استفاده پولس از «من»، نه «خداوند ۱۲».

آیات ۱۲ و ۱۳ به وضوح تعلیم می‌دهند که پیوند ازدواج به دلایل معنوی از بین نمی‌رود. این موضوع در آیات ۱ تا ۷ واضح بود، اما دوباره واضح است. صرفاً به این دلیل که شما یک مؤمن هستید و با یک غیرمؤمن ازدواج کرده‌اید، دلیلی برای طلاق گرفتن و پیدا کردن یک مؤمن برای خودتان ایجاد نمی‌کند.

اگرچه شریک نجات یافته و نجات نیافته، بزرگترین ناسازگاری معنوی را منعکس می‌کنند، اما هنوز دلیلی برای طلاق وجود ندارد. ازدواج‌های نابرابر را نمی‌توان به دلایل به اصطلاح معنوی فسخ کرد. اینگونه به آن فکر کنید.

اگر تغییر دین در یک ازدواج نابرابر اتفاق بیفتد، این خواست خدا برای شماست. همانطور که هستید. شما نمی‌توانید از معنویت برای خروج از آن ازدواج استفاده کنید.

حالا، مسائل بسیار دیگری در مورد ازدواج و طلاق وجود دارد. مسائلی مانند سوءاستفاده، خطر همسر و غیره. ما در مورد هیچ کدام از این‌ها صحبت نمی‌کنیم.

پولس گفت ما داریم درباره کسی صحبت می‌کنیم که حاضر است ازدواج را ادامه دهد. من یک ازدواج برجسته در دوران خدمت کشیشی‌ام را می‌شناسم که این اتفاق در آن رخ داده است. در برخی از دوستان ما شوهر ازدواج نکرده بود.

منظورم این است که شوهر مسیحی نبود. زن مسیحی بود. او به کلیسای ما آمد.

او یک زمین گلف اداره می‌کرد. من قبلاً در زمین گلف او بازی می‌کردم. زمین گلف اینجا بود.

خانه‌ی من اینجا بود. کلیسا هم همین پایین بود. او با او به کلیسا می‌آمد، نه همیشه، اما مرتباً.

رفتم و با او صحبت کردم تا اینکه صورتم کبود شد. او اصلاً حس نمی‌کرد که به عیسی نیاز دارد. او در این مورد به اندازه‌ی یک روز صادق بود.

او هیچ اجباری نداشت. هیچ انگیزه‌ای نداشت. هیچ اعتقادی نداشت که به عیسی نیاز دارد، اما از اینکه همسرش در کلیسا فعالیت می‌کرد و به کلیسا می‌رفت، بسیار خوشحال بود.

اگر درست یادم باشد، او حتی زمین گلف را هم یکشنبه‌ها تعطیل می‌کرد. و گاهی اوقات با او می‌آمد. خوب، من دهه‌ها بعد آن کشیش‌نشین را ترک کردم.

من به آن کلیسا برگشتم، و حدس بزنید چی شد؟ او حالا مسیحی شده است. مدت زمان خیلی خیلی زیادی طول کشید، اما بالاخره به مسیح ایمان آورد. حالا، انواع و اقسام داستان‌ها در مورد این چیزها وجود دارد.

داستان‌ها مرجعی برای متن نیستند، اما واقعیت این است که از کجا می‌دانید که زندگی خداپسندانه شما در یک موقعیت ناسازگار، آن شخص دیگر را به سوی مسیح نمی‌آورد؟ حال، باید مراقب باشید که چگونه این کار را انجام می‌دهید. شما آنها را با کلیسا سرزنش نمی‌کنید. شما آنها را با این سرزنش نمی‌کنید که آنها فقط یک گناهکار قدیمی هستند.

با این و آن به آنها دهن کجی نکن. تو زن خوبی خواهی بود. تو شوهر خوبی خواهی بود و بین به کجا میرسی.

شما نباید در شرایطی که آنها مایل به ماندن هستند، شروع به ترک محل کنید. من موقعیت‌های بسیار جالبی از این دست دیده‌ام که می‌توانم در مورد آنها همینطور ادامه بدهم، اما قرار نیست این کار را بکنم. شما احتمالاً مثال‌های خودتان را دارید.

مسائل معنوی بر ازدواج غلبه نمی‌کنند. ازدواج، ازدواج است - بحث تمام است.

رمز تقدس چیست؟ جالب است که پولس استعاره‌ی ناپاکی را وارونه کرده است. در آیات ۵ و ۶-۵، او در مورد خمیرمایه‌ی بد صحبت کرده است. در آیات ۶-۱۵ تا ۱۷، او در مورد خمیرمایه‌ی بد صحبت کرده است، اما اکنون او استعاره‌ای از خمیرمایه دارد که به موجب آن، مؤمن می‌تواند به کافران دسترسی پیدا کند. و فرزندان به دلیل شریک مسیحی در آن ازدواج، به سمت عیسی هدایت شوند.

این فقط حقایق ساده و قدیمی است. هیچ چیز پنهانی در اینجا وجود ندارد. با این حال، تمرکز بر محیط زیست است، نه پزشکی قانونی.

قرار نیست کافر فقط به خاطر مؤمن نجات پیدا کند، بچه‌ها هم همینطور. این یک امر کارکردی است. محیطی است، نه پزشکی قانونی.

عهد عتیق سنتی از تقدس توأم با پیوند داشت. خروج و لاویان، حتی رومیان ۱۱. لئون موریس این جمله را بیان می‌کند.

در اینجا نمی‌توان تعریف دقیقی از معنای این آیه، یعنی آیه ۱۴، ارائه داد. اما این یک اصل کتاب مقدسی است که برکات ناشی از معاشرت با خدا محدود به دریافت‌کنندگان مستقیم نیست، بلکه به دیگران، عمدتاً کسانی که دریافت‌کنندگان فیض خدا را می‌بینند، نیز گسترش می‌یابد. بنابراین، یک مسیحی خوب در یک ازدواج نابرابر، نه برای شروع آن، بلکه وقتی که از قبل در آن هستید، یا شاید حتی در زمانی که به طور مداوم مسیحی نبوده‌اید، به آن وارد شده‌اید، در آن هستید.

بحث همین جا تمام شد. تو در آن هستی. بمان و برای خدا زندگی کن، و دعا کن که شریک زندگیت بتواند عیسی را بشناسد.

اگرچه بودن در محیطی مقدس برای خیر و رستگاری احتمالی خود یک امتیاز است، اما جایگزینی برای باور شخصی نیست. در مجموع، ازدواج یک نهاد مقدس است. استدلال پولس در اینجا، از نوع استدلال حقوقی هلاخایی، بر مشروعیت بخشیدن به ازدواج مختلط متمرکز است و نه بر مسائل پزشکی قانونی خود رستگاری.

عبارت «تقدیس شده» اساساً به این معنی است که شما در موقعیت خوبی برای شناخت خدا قرار گرفته‌اید. این بدان معناست که شما واجد شرایط شناخت خدا هستید. شما از یک موقعیت ممتاز برخوردار هستید.

اگر امکانش باشد، باید ازدواج مختلط حفظ شود. این چیزی است که پولس خواستار آن است. شما نمی‌توانید از یوغ نابرابر به عنوان توجیهی برای طلاق به خاطر ازدواج با یک مسیحی استفاده کنید.

اگر این کار را انجام دهید، نیت خدا را نقض کرده‌اید و تقدس ازدواج و خویشاوندی که ایجاد می‌کند را نقض کرده‌اید، احتمالاً به دلایل زیادی، اما نه به طور مشروع، طبق گفته پولس. صفحه ۹۵. با توجه به همه اینها چگونه به زوج‌های متأهل مشاوره می‌دهید، جایی که یکی مؤمن است و دیگری نیست؟ چگونه حمایت خواهید کرد، چگونه مرا عفو خواهید کرد، و حمایت شما از ازدواج چگونه بر فرد غیرمؤمن تأثیر خواهد گذاشت؟ برای مثال، اگر این شوهر بی‌ایمان در ساعات کاری هفته، در حالی که شما در اتاق مطالعه‌تان هستید، به کلیسای شما هجوم بیاورد و با عصبانیت فراوان وارد شود که نمی‌تواند یکشنبه‌ها با شرکای تجاری‌اش کارهایی انجام دهد، چون همسرش در کلیسا است، اصرار دارد که به کلیسا برود، و گاهی اوقات صریحاً از او خواسته است، و این نکته را مطرح می‌کند، می‌گوید، او می‌تواند هر چقدر که می‌خواهد به کلیسا برود، اما هر از گاهی، ماهی یک بار یا دو ماه یک بار، برای صلاح کارم باید با من باشد، و او بیاید و شما را به خاطر این مشکل سرزنش کند، چه می‌کنید؟

می‌خواهی چیکار کنی؟ می‌خواهی اونو به دیوار بچسبونی، بگی اون یه آدم کوچیکه، تو یه آدم بزرگ، و بگی به عیسی نیاز داری. می‌خواهی بهش بگی، خب، آقا، باید باهاش تو کلیسا باشی؟ چطور می‌خواهی باهاش کنار بیایی؟ من بهت می‌گم چطور باهاش کنار بیام، و ممکنه خوشت نیاد. من بازنشسته‌ام، واقعاً برام مهم نیست.

اذیت کردن. من چنین موقعیتی را با این شخصی که نام بردم نداشتم، اما اگر چنین اتفاقی می‌افتاد، امیدوارم این کار را می‌کردم. من می‌ایستادم و با این شخص دوستانه رفتار می‌کردم؛ به او می‌گفتم، می‌فهمم، و می‌خواهم خصوصی با همسرت در مورد آن صحبت کنم.

بعدش، با اجازه شما، می‌خواهم پیام و با هر دوی شما صحبت کنم و احتمالاً اون موقع، خیلی خوشحال می‌شه. می‌گه، اوه، آره، هر وقت خواستی می‌تونی بیای اینجا. دوست دارم باهاش صحبت کنم.

بعد، با همسرش جلسه‌ای داشتم و می‌گفتم، ببین، فکر می‌کنم کاری که باید وقتی شوهرت جلسه کاری دارد انجام بدهی، اگر واقعاً گهگاهی باشد، مثل اینکه می‌گویی، شاید حتی ماهی یک بار، مکرر باشد، این است که باید به او احترام بگذاری و اینجا نباشی. احتمالاً می‌گفت، نفسم بند می‌آمد. واعظ، داری به من می‌گویی که یکشنبه‌ها به دیدن خدا نیایم؟ می‌گفتم، خب، تو هر روز هفته خدا را می‌بینی، مگر نه؟ می‌خواهم در این شرایط مطیع شوهرت باشی.

حالا، فرض می‌کنیم که هیچ سوءاستفاده‌ای در اینجا وجود ندارد. شما باید به او به عنوان کسی که خرج خانه‌تان را می‌دهد احترام بگذارید. این هیچ ربطی به مسائل جنسیتی و غیره ندارد.

وارد این بحث من نشو. من فقط دارم در مورد ازدواج و چیزی که پولس در این فصل در موردش صحبت می‌کند صحبت می‌کنم. راستش را بخواهید، به او می‌گفتم که با او برود، در این مورد به او احترام بگذار و خوش بگذراند.

شاید برای تنوع هم که شده از نشنیدن حرف من خوشحال بشی. و به جرات می‌گم که شوهرش شوکه خواهد شد. بعضی وقت‌ها، شوکه کردن بهترین راه برای باز کردن گوش‌ها و چشم‌های مردمه

و من پیگیری می‌کردم و بعداً به خانه‌شان می‌رفتم و فقط زمانی را برای معاشرت و صحبت کردن و به اشتراک گذاشتن مسیح داشتم، نه به شیوه‌ای تحمیلی. بگذارید ازدواج شکل بگیرد. ازدواج را ترویج دهید

و با این کار، شما در واقع خدا را تبلیغ می‌کنید. و شما راه بهتری برای ورود مسیح به آن موقعیت دارید تا اینکه خودتان را خشک و بی‌روح نشان دهید و شروع به تظاهر به پرهیزگاری بیش از آنچه واقعاً هستید کنید. ازدواج بر معنویت ادعا شده غلبه می‌کند.

صادقانه بگویم، نمی‌توانید از کنار این متن بگذرید و این واقعیت را نبینید. همانطور که اشاره کردم، این متن برای لاپوشانی خشونت خانگی استفاده نمی‌شود. اگر این مرد همسرش را کتک می‌زد، من به شیوه‌ای بسیار متفاوت با آن برخورد می‌کردم.

اما او شوهر خوبی بود، تأمین‌کننده، حتی دوست‌داشتنی، حتی گاهی اوقات به کلیسا می‌آمد، اما نه خیلی زیاد. باید کمی عقل سلیم به خرج داد. پولس به ما توصیه‌هایی می‌کند اگر فقط گوش‌هایمان را باز کنیم و از ساده‌لوحی در مورد برخی از این موارد دست برداریم.

علاوه بر این، در باب دوم، پولس فقط به یک کافر اجازه می‌دهد که آنجا را ترک کند. در آیات ۱۵ و ۱۶، همه چیز درباره ماندن مؤمن و رفتن کافر است. در هیچ کجای این متن درباره اینکه مؤمن تصمیم به رفتن گرفته باشد، هیچ عبارتی وجود ندارد.

همیشه انتخاب با فرد غیرایماندار است. اما او در آیات ۱۵ و ۱۶ چه می‌گوید؟ او این واقعیت را تشخیص می‌دهد که یک شریک ایماندار نمی‌تواند همسر خود را مجبور به حفظ ازدواج کند. شما ممکن است بخواهید ازدواجی را که فرد غیرایماندار می‌خواهد ترک کند، حفظ کنید.

شما نمی‌توانید آنها را مجبور به ماندن کنید. شما قدرت انجام این کار را ندارید. پولس این واقعیت را تشخیص می‌دهد و مؤمن را از فشار قربانی شدن توسط یک کافر که رابطه را ترک می‌کند، رها می‌کند.

این بار این را نقل قول می‌کنم، با NASB چندین نکته کلیدی در این متن وجود دارد. توجه کنید که چگونه این حال اگر فرد بی‌ایمان می‌رود، بگذارید برود. در چنین مواردی برادر یا خواهر تحت اسارت نیست، اما خدا ما را به صلح فراخوانده است.

اما اگر شریک کافر جدا شود، بگذار چنین شود. در چنین مواردی، برادر یا خواهر به بردگی گرفته، ESV نمی‌شود. خدا شما را به صلح فراخوانده است.

در چنین مواردی تحت عنوان اسارت، یک جمله مرتبط با NASB، توجه کنید ESV و NASB به تفاوت بین می‌گوید شما برده نیستید، همین ESV. متن ارائه می‌دهد.

منظور از «برده شدن» چیست؟ آیا به این نکته اشاره دارد که باید آنها را مجبور به ماندن کنید؟ یا اینکه اکنون آن را به طور ضمنی گسترش داده‌اند تا به این معنی باشد که شما آزاد هستید دوباره ازدواج کنید؟ ببینید، بسیاری از مردم ازدواج مجدد را در این متن می‌آورند و من این سوال را مطرح می‌کنم که آیا این متن اصلی است، اما اگر کافر برود، بگذارید برود. یک مؤمن، چه مرد و چه زن، امکان‌پذیر است یا خیر. اما کمی متفاوت، NASB چه زن، در چنین شرایطی مقید نیست، چیزی شبیه

خدا ما را به زندگی در صلح فراخوانده است. بیایید ببینیم آیه ۲۰۱۱ چه می‌گوید، چون من تا اینجای آیه آن را نخوانده بودم. آیه ۱۶.

از کجا می‌دانی، زن، که آیا شوهرت را نجات خواهی داد یا زنت را؟ من اینجا جای درستی نیستم. آیه ۱۵. بسیار خوب، بله، ۱۵.

NIV اما اگر کافر برود، بگذار اینطور باشد. برادر یا خواهر در چنین شرایطی مقید نیستند، دقیقاً مانند اصلی.

ببینید، حالا این سوال دیگری را مطرح می‌کند: «مقید نبودن» به چه معناست؟ اما حداقل به مؤمن اجازه می‌دهد که آزاد باشد و اجازه دهد اتفاق بیفتد، اما وقتی شرایط خوب است، باعث آن نشود یا آن را شروع نکند. بسیار خوب، کلمه یونانی برای جدا کردن یا ترک کردن، یک کلمه یونانی رایج در ازدواج‌های پایپروس و قراردادهای ازدواج برای طلاق بود. بنابراین، در این موقعیت خاص، این یک واژگان عادی است.

اینجا سه مورد قابل توجه وجود دارد. ترک کردن در حالت امری آمده است. بگذار او، بگذار کافر، جدا شود.

به عبارت دیگر، پولس کاملاً قوی است. او می‌گوید اگر قرار است بروند، بگذارید بروند. لازم نیست آنها را مجبور به ماندن کنید.

لازم نیست حتماً این ایده را داشته باشید. به علاوه، نمی‌توانید آنها را مجبور به ماندن کنید. فکر می‌کنم اولین انتخاب پاول این باشد که به آن پایبند بماند.

او این را گفت. اما اگر قرار است بروند، لازم نیست انواع و اقسام حرکات چرخشی را انجام دهید تا آنها را ننگه دارید. برادر و خواهر اینجا برچسب‌های خاصی هستند.

برادر و خواهر، لازم نیست آنها را مجبور به ماندن کنند. مسئله این است که مقید نباشند. مقید نبودن یعنی چه؟ در خیلی از جاهایی که می‌خوانم، آنها مقید نبودن را به ازدواج مجدد تعمیم می‌دهند، در حالی که الان این متن در مورد ازدواج مجدد نیست.

این متنی درباره طلاق و ترک کردن است، نه کاری که قرار است بعد از آن انجام دهید. لازم است قید نشده در متن حفظ شود. قید نشده باید در متن این متن خاص فهمیده شود.

بنابراین، منظور از «مقید نبودن»، اولاً این است که لازم نیست از اینکه نتوانستید ازدواج را نجات دهید و آنها را وادار به ماندن کنید، احساس گناه کنید. شما به این ایده مقید نیستید. ثانیاً، «مقید نبودن» به بیانیه پایانی صلح اشاره دارد.

این نشان می‌دهد که شما نباید احساس کنید که مجبورید به شیوه‌ای بجنگید یا مانورهای انجام دهید که فراتر از تلاش معقول باشد. شما باید سعی کنید ازدواج را نجات دهید، اما اگر نمی‌توانید، لازم نیست احساس محدودیت کنید. لازم نیست برای تحقق و حفظ آن به سطوح خاص، سطوح مسخره یا سطوح ناامیدکننده بروید.

بعید است که «عدم تعهد» ربطی به ازدواج مجدد داشته باشد، اما اغلب به این صورت استفاده می‌شود. عدم تعهد «به این معنی است که شما آزاد هستید؛ هر کاری که دوست دارید انجام دهید. این موضوع» خارج از متن است.

این خارج از سنت سلطه‌جویی است، که پولس در آیات ۱۰ و ۱۱ دوباره بر آن تأکید کرده است. پس چرا به آن قافله بپریم که می‌گوید «مقید نیستم» یعنی «وای، من آزادم». اصلاً چنین معنایی ندارد.

مراقب باشید که چگونه از کتاب مقدس استفاده می‌کنید. استفاده از آن به این شکل خارج از محدوده است. در فصل‌های ۱۷ تا ۲۴، بیایید به این اصل «همانطور که هستی بمان» برگردیم.

پولس در سراسر فصل ۷ بر «همانطور که هستی بمان» تأکید می‌کند. ۱۷، ۲۰، ۲۴، همه چیز در آنجا آمده است. با این حال، «همانطور که هستی بمان» به عنوان یک اصل استفاده می‌شود، نه یک قانون. اصل همانطور که هستی بمان «از نظر عملی خوب است، اما الزامی نیست».

اینکه تقریباً همانطور که مجرد هستید باقی بمانید، یک امتیاز است زیرا ازدواج یک امر عادی است. اما اگر نمی‌خواهید دوباره ازدواج کنید، ماندن به همان شکلی که هستید چیز خوبی است. مشکلات کمتر، مسائل کمتر.

پولس تأکید می‌کند که همانطور که هستی بمان. با این حال، این یک اصل فرض شده است، نه به عنوان یک قانون. می‌توانیم این را اصل مشیت الهی بنامیم، جایی که خود را شکوفا می‌یابید.

اما همه نمی‌توانند همانطور که هستند باقی بمانند، زیرا در آتش اشتیاق می‌سوزند. و این ممکن است اشتیاق جنسی نباشد. ممکن است اشتیاق به بودن با شخص دیگری به طور منظم، گفتگو، داشتن شریک زندگی یا همراهی باشد.

ما برای این ساخته شده‌ایم. انکارش نکن. با نگاه به پایین صفحه، دارم سعی می‌کنم فی‌البداهه تصمیم بگیرم.

آیا می‌توانم از این مرحله عبور کنم و به مرحله بعدی بروم؟ من صفحه ۹۶ را دارم. حدود ۱۵ دقیقه طول می‌کشد. کمی بیشتر از حد معمول طول می‌کشد، بنابراین در فصل ۷ سه واحد داریم، نه چهار واحد.

بسیار خب. بخش آخر فصل ۷، آیات ۲۵ تا ۴۰. نمی‌دانم این را می‌شنوی یا نه.

این اولین باری است که بعد از ده سال زندگی در اینجا، بستنی‌فروش و موسیقی که پخش می‌کنند، از راه می‌رسند. تقریباً آماده‌ام که بدوم و یک بستنی بگیرم و تو را اینجا بگذارم، یا می‌توانم یکی بیاورم و برایت بخورم. اما ما می‌مانیم و من این فصل را تمام می‌کنم.

من به خاطر اول قرن‌تیان و به خاطر شما فداکاری خواهم کرد. توصیه پولس به مجردها. و آیه ۲۵ و آیه ۴۰. نوعی تعادل است.

آیه ۲۵، حالا در مورد باکره‌ها، من هیچ دستوری ندارم. آیه ۴۰، به نظر من، اگر او همانطور که هست بماند، خوشحال است. من فکر می‌کنم که من هم روح خدا را دارم.

و این در مورد مجرد بودن و متاهل بودن است. خب، کافی است. ادامه می‌دهیم.

حال، در مورد باکره‌ها، من هیچ NRSV. برای نامزد، که همان نامزد است، ترجمه تحت‌اللفظی آیه ۲۵ در دستوری از جانب خداوند ندارم، اما نظر خودم را بیان می‌کنم. هیچ سنت سلطنتی وجود ندارد.

من می‌خواهم نظرم را به شما بگویم. من یک رسول هستم. آنچه من فکر می‌کنم مهم است، اما لزوماً آخرین حرف در مورد آن جمله نیست.

بنابراین، او نصیحت می‌کند، اما نصیحت خوبی از دیدگاه خودش، اما نه لزوماً نصیحتی هنجاری. بیایید به نگاهی بیندازیم. من این را برای خیر خودتان می‌گویم، نه برای محدود کردن شما، بلکه برای این NIV 35 می‌گویم که بتوانید به شیوه‌ای درست و با فداکاری کامل به خداوند زندگی کنید.

یه مشکل دیگه هم با ۲۵ تای ما وجود داره. من ۳۵ تا رو خوندم، ببخشید ۲۵ تا. حالا در مورد باکره‌ها، من هیچ دستوری از طرف خداوند ندارم، اما یه قضاوتی می‌کنم.

جدید ۲۰۱۱ این موضوع را عمومی نگه داشته و سعی نکرده به آن بپردازد. من در یک NIV توجه کنید که ثانیه نموداری را به شما نشان خواهم داد که در اینجا به جهات مختلفی می‌رود. بنابراین، وقتی از باکره‌ها صحبت می‌کند، این به چه معناست؟ آیا این بدان معناست که آنها هرگز ازدواج نکرده‌اند؟ آیا به این معنی است که آنها نامزد هستند؟ شاید با کسی نامزد شده‌اند؟ این یک چیز بسیار جدی در دنیای باستان بود.

قرار است به کجا برود؟ آیا دختر پدر است، یا وقتی نامزد شدند، بخشی از اختیارات به شوهر آینده منتقل می‌شود، اما نه رابطه جنسی؟ در آن زمان چه کسی باکره را کنترل می‌کند؟ چه کسی زن را کنترل می‌کند؟ پدر یا شوهر؟ برخی اتفاقات فرهنگی در حال رخ دادن است. برای نامزد، یونانی معادل باکره است و بیشتر ترجمه‌ها آن را به همین شکل رها می‌کنند، بنابراین باید مطالعه کنیم تا بفهمیم.

بحران کنونی، چشم‌انداز ازدواج را تحت الشعاع قرار می‌دهد. عاقلانه‌ترین راه این است که همین‌طور که هستی بمانی، اما ازدواج همچنان مجاز است. باید این متن را با صدای بلند برایت بخوانم.

حال، در مورد باکره‌ها، من هیچ دستوری از جانب خداوند ندارم، اما به عنوان کسی که به رحمت ۷:۲۵: خداوند قابل اعتماد است، قضاوت می‌کنم. به دلیل بحران کنونی، لطفاً تأکید کنید که این موضوع، کل متن حاضر را در بر می‌گیرد.

شاید این موضوع کل فصل را تحت الشعاع قرار دهد، اما مطمئناً به این پاراگراف نیز طعم می‌دهد. ما در مورد بحران کنونی به زودی صحبت خواهیم کرد، اما به احتمال زیاد به بحران پولس مربوط می‌شود. می‌تواند به چیزی که از نظر تاریخی اتفاق افتاده است، همانطور که برخی فکر می‌کنند، یا به دیدگاه آخرالزمانی پولس مبنی بر اینکه عیسی هر لحظه خواهد آمد، مربوط باشد. و صرف نظر از آخرالزمان، لازم نیست که شما در دوران پیش از مصیبت یا در اوج شادی باشید تا بگویید که رویداد بعدی در طرح آخرالزمانی، آمدن عیسی است.

و بنابراین، در نتیجه، این موضوع مربوط به هیچ یک از این نوع مسائل، یعنی ربوده شدن و چیزهایی از این قبیل، نیست. فقط این است که آخرالزمان در شرف طلوع در جهان است و پولس با این ذهنیت زندگی می‌کرد. به دلیل بحران کنونی، فکر می‌کنم خوب است که انسان همانطور که هست باقی بماند.

اگر به ارمیا فکر می‌کنی، که به خاطر اسارت بابلی به او دستور داده شده بود ازدواج نکند، ازدواج نکن چون اوضاع خیلی پیچیده می‌شود، ارمیا. پس، به تو می‌گویم، می‌خواهم لطفی در حقت بکنم. قرار نیست خوش بگذرد، اما می‌خواهم لطفی در حقت بکنم.

و پولس، به یک معنا، می‌گوید، خب، ما زمان ارمیا نیستیم، و من قرار نیست از ارمیا برای شما نقل قول کنم. قرار نیست شما را با کتاب مقدس شکست دهم، اما می‌خواهم به عنوان مری شما به شما بگویم که باید در مورد این موضوع فکر کنید زیرا بحران در شرف وقوع است. آخرالزمان در شرف طلوع است.

ممکن است حتی وقت بچه‌دار شدن نداشته باشید، و اگر هم داشته باشید، ممکن است وقت بزرگ کردن آنها را نداشته باشید. و با چه چالش‌هایی روبرو خواهید شد؟ او به این شکل شرطی شده بود زیرا اینجا با یک نه مطلق سروکار ندارد. او با نصیحت سروکار دارد، و نصیحت او از دیدگاه شخصی خودش می‌آید.

که خوب بود، اما دیدیم که این سرنوشت کمی کش آمده است. به دلیل بحران فعلی، فکر می‌کنم برای یک مرد یا یک زن خوب است که همانطور که هستند باقی بمانند. همانطور که به یک زن متعهد می‌شوید، به دنبال رهایی نباشید.

به عبارت دیگر، اگر نامزد هستید، ادامه دهید. آیا از چنین تعهدی آزاد هستید؟ پس دنبال همسر نگردید. به عبارت دیگر، اگر ازدواج نکنید، گناهی نکرده‌اید.

ببینید، ممکن است یک زیرگروه در قرن‌تس وجود داشته باشد که با این مشکل دست و پنجه نرم می‌کرد افرادی که نامزد کرده بودند و در شرف ازدواج بودند، به دلیل مسیحی شدن، از این کار دست کشیدند. آنها چه کار خواهند کرد؟ صادقانه بگویم، پولس با این موضوع بسیار مهربانانه برخورد می‌کند.

اما اگر ازدواج نکنی، گناه نکرده‌ای. اما اگر ازدواج کنی، گناه نکرده‌ای. و اگر باکره‌ای ازدواج کنی، گناه نکرده است.

اما کسانی که ازدواج می‌کنند در این زندگی با مشکلات زیادی روبرو خواهند شد و من می‌خواهم شما را از این مشکلات معاف کنم. اما این مشکلات به دلیل بحران کنونی است. منظورم این است، برادران و خواهران، زمان کوتاه است.

از این به بعد، کسانی که همسر دارند باید طوری زندگی کنند که انگار همسر ندارند. کسانی که سوگواری می‌کنند، طوری که انگار همسر ندارند.

کسانی که طوری شادند که انگار شاد نیستند. کسانی که چیزی را طوری می‌خرند که انگار مال خودشان نیست که آن را نگه دارند. کسانی که از چیزهای دنیا طوری استفاده می‌کنند که انگار غرق در آنها نیستند.

زیرا این جهان، به شکل کنونی‌اش، در حال گذر است. بنابراین، انتظار آخرالزمانی پولس به طرز چشمگیری به این موضوع طعم می‌دهد. ممکن است بگویید، خب، باید به ما هم طعم بدهد.

خب، بله، از جهاتی اینطور است، اما می‌توانیم به صورت عملی ببینیم که چون ۲۰۰۰ سال از آن گفته‌ی پولس گذشته است، آن لحظه‌ای که به نظر می‌رسید آخرت‌شناسی پولس بر روایت هنجاری کتاب مقدس در مورد چگونگی زندگی کردن غلبه نمی‌کند. و اگر قرار است ازدواج کنید، ازدواج کنید. اما قرار است با عواقب آن زندگی کنید.

این چیزی است که پولس می‌گوید. این طبیعی است. این مطابق کتاب مقدس است که اجازه دهیم باکره ازدواج کند، اجازه دهیم پدر، باکره را به ازدواج بدهد و اجازه دهیم شوهر نامزد، ازدواج را به سرانجام برساند.

اما چیزی که پاول می‌گوید این است که کار سختی خواهد بود. او سعی نمی‌کند آنها را از این مخمصه بیرون بکشد. او فقط در مدیریت کاری که قرار است انجام دهند صادق است.

. دوست دارم این موضوع را برای بعضی از آنها که ۴۰ سال دیگر زندگی کردند و عیسی نیامد، پیگیری کنم. دوست دارم بدانم حالا چه می‌گویند. می‌دانید، این گفتگوی جالبی خواهد بود، اینطور نیست؟ هیچ‌کدام از شما در آن دسته نیستید، بنابراین نمی‌توانیم چنین گفتگویی داشته باشیم.

. بالای صفحه ۹۷. مخاطب این بخش باکره‌ها هستند. پارتنوس، کلمه یونانی برای باکره‌ها

کلمه یونانی ممکن است به معنای باکره باشد یا کلمه عبری برای باکره‌ها می‌تواند به معنای باکره‌ای باشد که ما معمولاً به آن فکر می‌کنیم یا به معنای دختر مجرد. در یونانی، این کلمه کاملاً محدودکننده است. به معنای باکره‌ای است که ما از آن تصور می‌کنیم، مطلقاً هرگز مردی را نشناخته است.

ترجمه تفسیری نامزدها را ارائه می‌دهد. این جالب ESV ترجمه تحت‌اللفظی باکره‌ها و نسخه NIV نسخه است. NIV پویاتر از نسخه ESV است. در این متن، نسخه

ادعا می‌شود که رسمی است، اما اکنون یک معادل پویا است و آنها را نامزد می‌نامد. این یک تفسیر است. معنای باکره‌ها در ۷:۲۵ بسیار مورد بحث است، اگرچه ۷۳۶ و ۳۸ به وضوح مربوط به نامزد است.

بنابراین، ممکن است یک دسته بندی گسترده‌تر در ۷۲۵ وجود داشته باشد که از ۷۳۶ تا ۳۸ متفاوت باشد. همه این زیرگروه‌ها کار ساده‌ای نیستند. ما همه این زیرگروه‌های کوچک را داریم و برای ما دشوار است که آن را تا این حد دور از رویداد بررسی کنیم.

، بنابراین می‌تواند دسته‌بندی وسیع‌تری در آیه ۷:۲۵ وجود داشته باشد که با آیه ۷:۳۶ تا ۳۸ متفاوت است، که به وضوح به معنای نامزد است. در اینجا حداقل چهار پیشنهاد برای توضیح باکره‌ها وجود دارد. آیا منظور پدر و دختر باکره‌اش است؟ او دختر را برای ازدواج رها نمی‌کند.

آیا این یک مرد و زن در یک ازدواج معنوی است؟ حال، این به متن آنجا منتقل شده است. آیا ممکن است یکی از زیرگروه‌های قرن‌تس این موضوع را بیش از حد معنوی کرده باشد؟ آنها ازدواج کردند اما رابطه جنسی نداشته‌اند زیرا فکر می‌کنند این کار اشتباهی است. حداقل این پیشنهاد برخی است.

بعضی‌ها می‌گویند این یک ازدواج لاوی است، که به نظر من درست نیست. یعنی یکی از اقوام از همسر برادرش بچه‌دار می‌شود چون او نازا است. این بیشتر به عهد عتیق شباهت دارد.

یا یک زوج نامزد و نامزد شده هستند؟ اگر به تفاسیر نگاه کنید، پدر-دختر، نفر دوم، مرد-زن در ازدواج معنوی و نفر چهارم بسیار رایج هستند. مردم بیشتر این دیدگاه‌ها را مطرح می‌کنند. گارلند معتقد است که محتمل‌ترین گزینه این است که باکره‌ها شامل زنان نامزد شده باشند.

احتمالاً، کسانی که نامزد کرده‌اند، به دلیل مشکلات فعلی و شاید به دلیل دیدگاه نادرست نسبت به رابطه جنسی و ازدواج، در مورد ادامه ازدواج خود تردید دارند. ما دقیقاً نمی‌دانیم. برخی فکر می‌کنند که مشکلات فعلی، قحطی محلی است.

وینتر این را استدلال می‌کند. برخی فکر می‌کنند که پریشانی فعلی نوعی آزار و اذیت محلی در جامعه است. فرهنگ الهیات عهد جدید این را استدلال می‌کند.

برخی فکر می‌کنند که پریشانی کنونی، که اکثر آنها چنین فکر می‌کنند، فرجامی است که در شرف طلوع است. بارت، کانزلمن، گارلند و اکثر مفسران آن را یک مسئله فرجام‌شناختی می‌دانند. مقابله با چالش‌های محلی بخشی جدایی‌ناپذیر از مسیحی بودن است.

شما خواستار اقدامات افراطی که پولس پیشنهاد می‌کرد، یعنی لزوم احتیاط به دلیل پریشانی فعلی، نخواهید شد. آیات ۷۲۹-۳۱ نیز به این زمینه حال و هوای قوی «اشاتون» می‌دهد. سوالاتی که باید در نظر گرفته شوند.

اگر پولس دیدگاه ما را در مورد جنبه زمانی انتظار برای فرجام نهایی داشت، آیا همین توصیه را می‌کرد؟ به نظر من این سوال منصفانه‌ای است. این به دلیل وقایع هنجاری زندگی و آخرت‌شناسی پولس در هر لحظه متفاوت است. ما هنوز هم آخرت‌شناسی در هر لحظه داریم.

ما نمی‌دانیم خدا چه زمانی قرار است وارد تاریخ شود. نمی‌توانیم بگوییم هزار سال دیگر یا هفته‌ی آینده. این همیشه، همیشه، همیشه درست بوده است.

شما با این انتظار زندگی می‌کنید، اما زندگی‌تان را طوری مدیریت می‌کنید که انگار برای مدیریت آن وقت دارید. این چیزها به نوعی به طور مساوی تقسیم می‌شوند. زندگی‌تان را طوری مدیریت کنید که انگار برای تمام کردنش وقت خواهید داشت.

زندگی خود را طوری مدیریت کنید که انگار عیسی فردا می‌آید. ما این‌ها را در تنش نگه می‌داریم. آن‌ها با هم جمع نمی‌شوند.

آنها نیت هستند. ما به عنوان مسیحی باید با آن کنار بیاییم. تالبوت می‌بیند که پولس چهار مسئله را مطرح و به آنها پاسخ می‌دهد.

من اجازه می‌دهم شما آن را بخوانید. من به صفحه ۹۸ در اواسط یا ۲ الف می‌روم. باول صادقانه در مورد دنیای واقعی تأمل می‌کند.

ازدواج ارزش‌های جدیدی به ارمغان می‌آورد، و او در آیات ۲۹ تا ۳۱ به روشنی در این مورد صحبت می‌کند. منظوم این است که برادران و خواهران، از این به بعد زمان کوتاه است. کسانی که همسر دارند، ما قبلاً این را خوانده‌ایم.

به دلیل این پریشانی احتمالی حال حاضر، سخت است. موضوع ویژه باکره‌های نامزد. در آیات ۳۶ و ۳۸ چه کسی کنترل‌کننده است؟ خب، در اینجا فهرستی از آنها آمده است.

حتی پویا بوده و کلمه دختر باکره را NASB. نسخه کن جیمز به معنای عمومی کلمه باکره را به کار برده است. پویا بوده و کلمه نامزد را به کار برده است NRSV. به کار برده است.

ببینید، آنها دارند ترجمه تفسیری می‌کنند. ترجمه پویا، ترجمه تفسیری است. بله، کاربردی است، اما کاملاً رسمی نیست.

خطاب به نامزدش. انجیل انگلیسی جدید، شریکی در تجرد. فکر کنم این همان زیرگروه است، ESV.

پاورقی وجود دارد که او را NIV خطاب به باکره‌ای که با او نامزد است. ۲۰۱۱، به همین ترتیب. در، NIV، و ترجمه جدید زندگی، نامزدش، که همان نامزد شده است، NASB دخترش می‌نامد، مانند

به آن نسخه‌ها نگاه کنید؛ همه جا پر از اشکال است. این یک متن چالش‌برانگیز است و متنی است که باید بیشتر در مورد آن فکر کنید. من نمی‌توانم آن را برای شما حل کنم.

فقط می‌توانم شما را تحریک کنم تا متوجه شوید که این چیزی است که باید در مورد آن فکر کنید و فروتن باشید. در اینجا دو یا سه گزینه وجود دارد که می‌توان آنها را توضیح داد و می‌توانند بدون تنش زیاد با متن مطابقت داشته باشند. می‌توانید به آنها نگاه کنید و سپس می‌توانید انتخاب کنید یا فقط یک لحظه آموزشی را با افراد خود به اشتراک بگذارید.

نکته‌ی آموزنده این است که ما مفسرانی بدون الهام هستیم و خداوند باید در آخرالزمان برخی چیزها را برای ما روشن کند. می‌توانید تصور کنید که چه ادبیاتی پشت این آیه نهفته است. بسیار عظیم است

دو جمله‌ی شرطی دارد. آن هم اگر. اگر اینطور باشد، من ۷:۳۶ را می‌خوانم چون باید این جمله‌ها را ۷:۳۶ کمی توضیح بدهم.

می‌دانم که دارم طولانی‌تر می‌شوم، اما قرار است این کار را انجام دهیم. ۷:۳۶، اگر کسی نگران است که ممکن است با باکره‌ای که با او نامزد کرده، محترمانه رفتار نکند. در کلاس‌های خاص، در مورد اگرها چه صحبت می‌کنیم؟ اینجا هم، همه چیز به زمینه بستگی دارد، اما اگر، احتمالاً به این دلیل است که کسی نگران است.

فرض بر این است که این یک واقعیت است. این ماهیت بلاغی آن «اگر» خاص است. اما اگر دوم، و اگر احساسات او خیلی قوی باشد، این یک «اگر» فرضی نیست.

این در صورتی است که در هر زمانی در آینده، شور و اشتیاق او قوی باشد. کلمه «اگر» می‌تواند به چهار صورت باشد. سه مورد از آنها به طور خاص در کتاب مقدس آمده است.

یک، دو و سه. اگر فرض کنیم، اگر شما نبودید، و اگر در هر زمانی در آینده. اگر به گناهان خود اعتراف کنیم، او امین و عادل است تا گناهان ما را ببخشد.

این یک وضعیت درجه سه است. اگر در هر زمانی در آینده چنین چیزی پیش بیاید، فرض بر این نیست که شما چنین خواهید کرد.

اصلاً فرض بر این نیست که شما این کار را نخواهید کرد. من می‌توانم یک صفحه کامل را به «اگر»های کتاب مقدس اختصاص دهم، اما این کار را نمی‌کنیم. شاید کنجکاو شوید و خودتان این را بفهمید.

دکتر بویر، بویر، که در کتابشناسی شما در مورد رساله اول قرن‌تین حضور دارد، بویر چند مقاله در مجله گریس در مورد کلمه اگر و بند اگر نوشته است. می‌توانید آنها را تا جایی که می‌توانید جستجو کنید. آنها به صورت آنلاین در دسترس هستند. اگر کمی جستجو کنم، آنها را پیدا خواهید کرد.

آیه ۷:۳۸ نکته مهمی است. بگذارید این آیه را ببینم.

دارم به اینجا نزدیک می‌شم. بالاخره به جوری می‌رسم. آره، ساعت ۷:۳۸ می‌رسم.

بنابراین، کسی که با باکره ازدواج می‌کند، کار درست را انجام می‌دهد، اما کسی که با او ازدواج نمی‌کند، کار بهتری انجام می‌دهد. اکنون ما دو دسته مسیحی داریم. درست و بهتر.

معنی بهتر چیست؟ دامنه معنایی صفت یونانی شامل رتبه بالاتر، ارجح، بهتر و گاهی برتر است. به عنوان صفت، مفیدتر، سودمندتر یا بهتر است. این کلمه می‌تواند یک صفت یا یک مقایسه باشد، یا اگر لطفاً برای روشن شدن مطلب، می‌تواند یک صفت ساده یا یک صفت مقایسه‌ای باشد.

یا می‌تواند یک قید باشد، حالت یا شیوه‌ی چیزی. هر چه که باشد، مقایسه در این متن اخلاقی نیست، بلکه کاربردی است. بگذارید دوباره بگویم.

این جمله در پایین ۹۸ هست. این اصطلاح بر اساس اخلاق مقایسه‌ای است، ببخشید، نه بر اساس اخلاق خیلی مهمه، نه؟ نه بر اساس اخلاق بلکه بر اساس کارکرد.

پولس نمی‌خواهد معنا را بهتر کند، که این یک انتخاب برتر، یک انتخاب بهتر از نظر اخلاقی یا حتی کتاب مقدسی است، بلکه می‌گوید که این یک انتخاب بهتر از نظر عملکردی است، به دلیل پریشانی فعلی و مشکلاتی که در نتیجه آن ایجاد خواهد شد. این بخش آخر این فصل را تشکیل می‌دهد. فی‌الظاهر می‌کند که مجرد بهتر است نه به این دلیل که یک موقعیت ذاتاً بهتر از دیگری است، بلکه در عین حال وقتی فی این را می‌گوید، دقیقاً همان چیزی است که پولس استدلال کرده است، یعنی اینکه ذاتاً بهتر نیست، فقط از نظر عملکردی بهتر است.

فکر می‌کنم تا الان متوجه شده باشید. بین آنچه از نظر قانونی بهتر است و آنچه از نظر عملکردی بهتر است، تفاوت وجود دارد. پولس گفته است که از نظر قانونی ممکن است، اما از نظر عملکردی، مراقب باشید، با مشکلاتی مواجه خواهید شد و پریشانی فعلی آن را تشدید خواهد کرد.

خب، هنوز کارهای زیادی برای انجام دادن در فصل ۷ وجود دارد، اما در شرایط فعلی، تنها کاری که می‌توانیم انجام دهیم، چند ساعت مطالعه در فصل ۷ است. در انتهای آیه‌های ۳۹ و ۴۰، بیانیه‌ای برای بیوه‌زنان وجود دارد. بیایید در پایان فصل ۷ به این موضوع نگاهی بیندازیم. یک زن تا زمانی که شوهرش زنده است، به او وابسته است، اما اگر شوهرش بمیرد، آزاد است با هر کسی که می‌خواهد ازدواج کند.

می‌بینی، و این در رومیان نیز آمده است: مرگ پیوند ازدواج را از بین می‌برد، اما مرد باید متعلق به خداوند باشد. او فقط می‌تواند در خداوند ازدواج کند. به نظر من، اگر او به همین شکل باقی بماند، از بیوه بودن خود خوشحال است و فکر می‌کنم من هم روح خدا را دارم.

و با این حال، پولس هیچ اجباری در این مورد به بیوه‌ها تحمیل نمی‌کند. بیوه‌های جوان‌تر قرار است دوباره ازدواج کنند، و احتمالاً باید این کار را انجام دهند. بیوه‌های مسن‌تر باید در مورد آن فکر کنند و ناخواسته وارد آن نشوند، اما در نهایت، ممکن است این اتفاق بیفتد.

کاملاً مجاز است. اگر ازدواج کنند، از نظر معنوی ضعیف‌تر نمی‌شوند، اما از نظر عملی و طبق اتفاقاتی که در زندگی می‌افتد، مسائلی وجود دارد که باید در نظر بگیرند. فکر می‌کنم اگر متن را درست بخوانیم و به این واقعیت برسیم که باید به این شکل در مورد آن فکر کنیم، این موضوع نسبتاً روشن است.

خب، فصل ۷ یه چالشه، مگه نه؟ کلی کار هست که باید انجام بشه. منابع پشت این فصل خیلی زیاده. می‌تونم یه عالمه مقاله ژورنالی مثل این در مورد این فصل بهتون بدم، و این فقط تعداد کمی از اون‌هاست.

بنابراین، این چیزی است که باید در مورد آن فکر کرد. فکر می‌کنم چارچوب خوبی برای زمانی که می‌توانید این کار را انجام دهید، به شما داده‌ام. نکات ظریف را روشن کرده‌ام تا بتوانید به فکر کردن در مورد فصل ۷ ادامه دهید. بخش سوم این فصل را در سخنرانی بعدی‌ام انجام خواهم داد و آن بخش سوم در مورد ازدواج و طلاق در کتاب مقدس است.

این از صفحه ۹۹ جزوه شما شروع می‌شود و متوجه خواهید شد که تا صفحه ۱۱۵ ادامه دارد. بنابراین، من حدود ۱۶ تا ۱۷ صفحه به شما می‌دهم که در بحث ما در مورد ازدواج و طلاق بسیار زیاد است. و کمی در مورد ازدواج مجدد صحبت خواهیم کرد، اما بیشتر در مورد آموزه‌های کتاب مقدس در مورد طلاق صحبت خواهیم کرد.

می‌خواهم این موضوع را برای شما توضیح دهم. باید آن را بخوانید و امیدوارم که از قبل آن را بخوانید، چون قرار است سریعاً به آن پردازم، نکات مهم را هایلایت کنم و به شما کمک کنم تا با این موضوع عظیم آشنا شوید و بتوانید آن را بررسی کنید. اگر در خدمتگزاری متخصص هستید، باید آن را بررسی کنید.

اگر قرار است گروهی از افراد را بر اساس کتاب مقدس مدیریت کنید، باید در مورد مسئله ازدواج، طلاق و ازدواج مجدد در کتاب مقدس به یک نتیجه و باور قطعی برسید. روز خوبی داشته باشید و در سخنرانی بعدی شما را خواهم دید.

این دکتر گری میدورز در حال تدریس در مورد کتاب اول قرن‌تیان است. این جلسه ۱۹، پاسخ پولس به مسائل جنسی و ازدواج، اول قرن‌تیان ۷: ۷-۴۰ است.